

بدیهی است که باید حواسمان به مردم باشد. اصلا حواس و دغدغه ما مردم است که خندوانه را ساختیم. من هم هیچوقت در تیزر نگفتم که چون گرانی است پس رژیم بگیر. نکته و پیام آن تبلیغ این بود که با هزینه‌های مختلف رژیم‌های مختلفی هست و گرانی مانع از گرفتن رژیم نمی‌شود.

فکر نمی‌کنید بی‌مهری برخی از مخاطبان نسبت به شما از زمانی شروع شد که شما از عرق به ایران گفتید اما فرزندان جای دیگری به دنیا آمدند؟

برخی این طور تعبیر کردند که رامبد با ما دوکانه حرف می‌زند و دوکانه رفتار می‌کند. اگر که خودت مملکت را دوست داری و به ما می‌گویی که مملکت را دوست داری، پس چرا این تصمیم را گرفتی؟ من این را می‌فهمم ولی واقعیتش این است که در روزگار ما و در زندگی‌ای که ما امروز داریم آن قدر آیت‌های مختلفی در تصمیم‌گیری‌های آدم‌ها نقش دارند که قطعا همین‌هاست که داریم می‌بینیم نیست و مطمئنا آن چیزی هم که از آن تعبیر می‌شود هم نیست. چیزهایی هست که جزئیات زندگی من است که اگر بگویم حتما دیگر این بی‌مهری به وجود نمی‌آید و متوجه هستم که وقتی یک برنامه‌ای در تلویزیون دچار این استقبال و اقبال می‌شود، رابطه‌ای بین من و مخاطب صمیمی تر و قوی تر می‌شود. هر برنامه‌ای و هر آدمی که این طور مورد توجه و اقبال قرار می‌گیرد قطعا مخالفینی پیدا می‌کند که این مخالفین چه با منطق و چه بی‌منطق، چه با تحلیل فنی و حرفه‌ای و چه با تحلیل غیر فنی و غیر حرفه‌ای، مخالف آن چهره می‌شوند و ترجیح می‌دهند تا از موقعیت‌هایی که به دست می‌آورد و حتی از موقعیت‌هایی هم که به دست نمی‌آورد استفاده کنند تا اینکه بتوانند آن آدم را در رابطه با مخاطبش تضعیف کنند و مدام این رابطه را ضعیف تر کنند. به اینکه این‌ها چه کسانی هستند کاری ندارم و همین قدر که الان دارم این را انسانی روایت می‌کنم مفهوم است که چه دارم می‌گویم. بنابراین می‌خواهم این را بگویم که جوی که راه می‌افتد جوی نیست که ما دقیقا اسمش را مردم بگذاریم. من همان طور که پیش تر گفتم با آدم‌های فراوانی مواجه می‌شوم، که هم به «خندوانه» و هم به اجزای آن علاقه مند هستند بنابراین من نمی‌توانم بگویم که همه دلخور و یا همه ناراضی هستند. راجع به جو آن زمان دارم صحبت می‌کنم و از آنجا که من اصولا هیچ وقت هیچ چیز این ماجرا را جواب ندادم همین طور هم ادامه پیدا می‌کند؛

یعنی هیچ وقت ماجرای اینکه ما چرا به کانادا رفتیم را نگفتم چون لزومی نداشت که بگویم و این چیزها از حوصله مردم خارج است و من که مدام نمی‌توانم بیایم و جواب حاشیه‌ای که ممکن است عده‌ای به وجود بیاورند را بدهم این توضیح دادن‌ها در روحيات من نمی‌گنجد و می‌دانم که ممکن است ضربه‌اش را هم بخورم اما ترجیح این است که برای خودم حریمی داشته باشم.

عده‌ای دوست دارند شما در باره همه مسائل و اتفاقاتی که مهم است حرف بزنید

ما تا جایی که بتوانیم این کار را انجام می‌دهیم و از یک جایی به بعد هم سانسور می‌شود. من چه کار می‌توانم بکنم؟ برنامه زنده نیست. بنابراین ما اصلاحیه می‌خوریم.

شما به کنار کشیدن و قهرمان شدن اعتقاد دارید؟ یعنی روحیه قهرمانی به این شکل را دارید؟

قهرمانی خیلی بحث جدایی است و این هم بحث خیلی مفصلی است. در این دوره یکی از بچه‌ها - نیما سهرابی - استند آپ خیلی درخشانی داشت که درباره قهرمان بود. حرفش این بود که خود مردم یکی را که اصلا خودش نمی‌خواهد قهرمان می‌کنند بعد هم وقتی از پس قهرمانی‌اش بر نمی‌آید بر سرش می‌زنند که تو خائن ملت هستی، پس پایین بیا و لپش می‌کنند؛ این مکانیزم همیشگی است. من قهرمان نیستم و ادای آن را هم در نیآورده‌ام؛ اعلام هم نکرده‌ام که قهرمانم و کارهای قهرمانانه هم نکردم.

دلتن هم نمی‌خواهد که قهرمان باشید؟

خیر، آخر من قهرمان نیستم. قهرمان بودن خصلت‌هایی را می‌خواهد که من آنها را ندارم. من چه گوارا نیستم، یک کم‌دین و برنامه‌ساز هستم! طبیعی است که من هم از شرایط ناراضی هستم و اعتراضات و انتقادهای جدی دارم اما حقیقتش بیشتر دلم می‌خواهد تأثیر بگذارم. اما حق بدهید که همه آدم‌ها روحیه‌های مشابه هم نداشته باشند. من اگر نتوانم چیزی را به درستی منتقل کنم و راکد بمانم بیمار می‌شوم پس چرا نیایم و به جای سکوت‌الکی یا به جای اعتراضی که

